



خیلواکی

استقلال

www.esteqlaal.net

چهارشنبه ۰۵ اکتوبر ۲۰۲۲

حمید انوری

گل و گلوله

به یکی از صدها کلیپ قیام مردم آزاده ایران زمین در یوتیوب دقیق شده بودم، هزاران هزار زن و مرد و جوان و سالخورده و... در خیابانها گرد آمده بودند و از ته دل و با یک خشم عظیم فریاد میزدند که "مرگ بر دیکتاتور"، "اخذ باید گم بشه" و... و این فریاد های خشم، همچنان شعله می کشید، به آسمانها میرفت و زمین و زمان و آسمان را به لرزه درآورده بود و...

رژیم سرکوبگر و تازیانه و دار جمهوری آخندی ایران که به تب لرزه مرگ افتاده است و عمر ننگین و غرقه در خون خود را پایان یافته می بیند و... صدها و هزاران مامور سرکوبگر خود را با وسائل گرم و سرد سرکوب به مقابل مردم عام و غیر مسلح، به جاده ها و خیابانها و پوهنتون ها فرستاده است و نظر به گزارشات تازه، طی حدود ۱۷ روز، بیشتر از یک هزار (۱۰۰۰) نفر را به قتل رسانده، هزاران نفر را زخمی و معیوب نموده و نیز بیش از پانزده هزار (۱۵۰۰۰) زن و مرد دیگر را روانه زندانها و شکنجه گاه ها نموده و به شدت مشغول قتل عام مردم ایران در سرتاسر ایران است و...

در این ویدئو که از داخل همان قیام توسط مردم فلم برداری گردیده و در یوتیوب انتشار یافته است، قوای ضربتی و گویا انتظامی رنگارنگ آخند ها با تفنگ های آخرین مدل در مقابل مردم صف کشیده و مشغول ضرب و جرح مردم اند و مانند افراد کر و کور و لال و یا روبات ها عمل میکنند و چپ و راست خون می ریزانند و...، یک جوان قامت رشید ایرانی، یک بغل گل زرد را با خود حمل میکند و در همان جو پولیسی و گلوله باری، برای آنانی که در دفاع از رژیم آخندی در مقابل مردم خود و خواهر و برادر خود و دختر و مادر خود گلوله های داغ و آتشین و مرگبار و رگباری از گلوله های مذاب فیر میکنند، برای هر کدام از آنها یک شاخه گل زرد تقدیم میکند و این است اوج انسانیت و شرافت، یعنی در مقابل گلوله های داغ شما، ما فقط یک شاخه گل داریم که تقدیم

کنیم. آنها نیز سنگ و چوب و مشت و لگد و بوت و چپلی و... در اختیار دارند، اما گل را ترجیح داده اند تا مرز انسانیت و حیوانیت، مرز مسالمت و شقاوت، مرز خودفروختگی و آزادی خواهی را به نمایش گزارند. آنان با وضاحت تمام به مردم ایران و جهانیان نشان دادند که تفاوت بین ماموران خودفروخته رژیم تازیانه و دار آخندک های شرف باخته ایران و مردم عام آن مرز و بوم، از زمین است تا ثریا. در مقابل هر گلوله ماموران، یک شاخه گل، اما آنها باید بدانند که صبر و حوصله مردم هم آخر یک حد و مرزی دارد و فردا و پس فرداها، امکان دارد بجای آن شاخه های گل، گلوله پیشکش شان گردد که در آن زمان دیگر پشیمانی خیلی ها دیر خواهد بود.

ای ماموران وجدان باخته و ای سرکوبگران رژیم! به خود آئید و در کنار مردم تان با قامت رسا ایستاد شوید، نه اینکه با قامت های خمیده و شرم و شرمساری در دفاع از یک مشت ارازل آخندی، ملتی را به خاک و خون کشیده و شرمساری دنیا و عقبا را نصیب شوید و تا آخر عمر نگفتبار تان ندامت بکشید و به خود و اربابان تان نفرین بفرستید.

باد خزان نکبت ایام ناگهان
بر باغ و بوستان شما نیز بگذرد
آب اجل که هست گلوگیر خاص و عام
بر حلق و بر دهان شما نیز بگذرد
ای تیغتان چو نیزه برای ستم دراز
این تیزی سنان شما نیز بگذرد
در مملکت جو غرش شیران گذشت و رفت
این عوعو سگان شما نیز بگذرد
آن کس که اسب داشت غبارش فرو نشست
گرد سم خران شما نیز بگذرد
این نوبت از کسان بشما ناکسان رسید
نوبت ز ناکسان شما نیز بگذرد
بر تیر جورتان ز تحمل سپر کنیم
تا سختی کمان شما نیز بگذرد